



علیرضا سلیمانی و هوشنگ جاوید در گفت‌وگو با «ایران»

از تأثیرگذاری آموزش سنتی در حفظ موسیقی اصیل و کهن اقوام می‌گویند

میراث مکتب حاج قربان

گزارش

نداسیجانی

گروه فرهنگی

این روزها چهارشنبه شب‌های روستای «علی آباد» حال و هوای دیگری پیدا کرده است. تقریباً بعد از غروب آفتاب و در پایان یک روز کشاورزی و باغداری در تاکستان‌های انکور، علاقه‌مندان به ساز و آواز در مکتبخانه استاد «علیرضا سلیمانی» که در دهیاری این روستا قرار دارد، دورهم جمع می‌شوند و با نوشیدن یک چای در یک جمع خودمانی، دوتار خراسان و مقام‌های این منطقه را می‌خوانند و می‌نوازند.

«علی‌آباد» از روستاهای شهرستان قوچان در استان خراسان رضوی است و تقریباً در ۱۲۰ کیلومتری شهرمشهد قرار دارد. اما همین فاصله مکانی در تنوع موسیقایی مناطق این استان تأثیرگذار بوده است. البته این متفاوت بودن تنها به موسیقی خلاصه نمی‌شود، جالب است بدانید در ایام عزاداری محرم، رسمی دیرینه در این روستا برگزار می‌شود به نام «علم گردانی»، که همچنان پابرجاست و نسل به نسل ادامه یافته است. البته قدمت هنر دوتارنوازی این روستا کمتر از آیین‌ها و سنت‌های آن نیست و شاید بهتر باشد بگوییم دوتار، بخشی از فرهنگ و هنر مردمان این روستا و منطقه است و این سازکهن در کوچ به کوچ و خانه به خانه علی‌آبادی‌ها شنیده می‌شود، همچنین استادان بزرگی در خانه‌های گلی و با عطر کوچه باغ‌های این روستا بزرگ شدند که در دنیا شناخته شده‌اند. نمونه شاخص آن استاد «حاج قربان سلیمانی» است؛ خنیاگر موسیقی خراسان.

حاج قربان نوازنده بزرگ دوتار و خواننده موسیقی محلی شمال خراسان و آخرین روایتگر از نسل بخشی‌های بزرگ خراسان بود. نواي دل‌انگیز دوتارش شور و شیدایی بود و در همان برهه زمانی و با همین ساز جادویی، او توانست نگاه مردمان جهان را به موسیقی شمال خراسان جذب کند و نام این ساز کهن را به فستیوال‌های بزرگ دنیا بشتاساند. «قربان بخشی» علاوه بر برگزاری کنسرت‌های بسیار در کشورهایی چون پرو، هلند، تونس، ترکیه، بلژیک، انگلستان، سوئیس، کلمبیا، اکوادور، پاناما، فرانسه و چند شهر آمریکا، توانست ستاره جشنواره آوینیون فرانسه شود. او هنرمندی است که نامش بر تارک تاریخ موسیقی ایران ثبت شده و تک نوازی‌های سحرانگیزش درآلبوم «شب، سکوت، کوبر» با آواز «محمدرضا شجریان» و آهنگسازی «کیهان کلهر» همچنان شنیدنی است. زنده‌یاد حاج قربان سال ۱۳۸۵ و در واپسین روزهای زندگی‌ش، دوتار خود را به پسرش علیرضا سلیمانی هدیه داد تا این هنر بخشی‌گری در خاندان سلیمانی باقی بماند و امروز فرزند خلف حاج قربان، میراث‌دارهنر زادگاه پدری(روستای علی آباد) تلاش کرده این هنرکهن را همچنان زنده نگاه دارد تا میراث حاج قربان نسل به نسل منتقل شود.

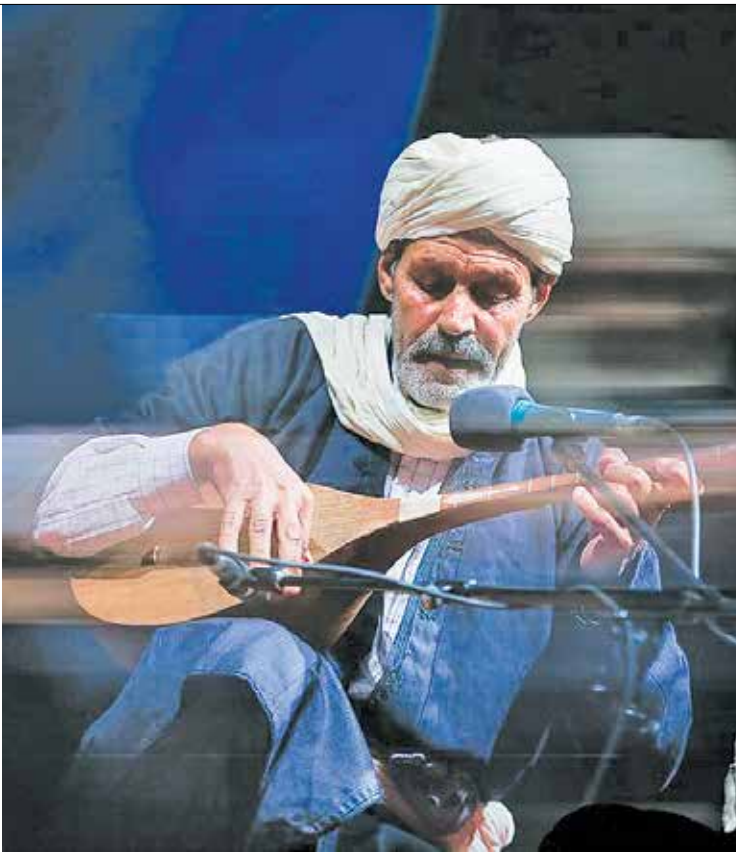
یادداشت
رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی
«کاظم هژیرآزاد» که این روزها با نمایش «خندیدن زیر مشّت و لگد» در تماشاخانه ملک روی صحنه است، پس از اجرای نمایش، همسرش زویا امامی بازیگر تئاتر را از دست داد و در پی این اتفاق ناگوار، با وجود تماس تهیه‌کننده اثر برای توقف اجرا، توقف اجرا را قبول نکرد و درخواست کرد تا اجرا به صحنه

درباره اجرای ویژه کاظم هژیرآزاد بر صحنه تئاتر

تعهد به تئاتر، احترام به مخاطب

برود. این در حالی است که امروزه بسیاری از بازیگران تازه به صحنه رسیده یا هر بهانه‌های بسیار کمتر از مرگ یک عزیز یا مریض بودن، حتی تمرین تئاتر را هم تعطیل کرده و التزامی به آن ندارند.

از این حیث می‌توان تصمیم کاظم هژیرآزاد به عنوان یک بازیگر و هنرمند پیشکسوت در عرصه تئاتر را مصداقی از تعهد هنری و اخلاقی دانست که خاندان ارزنش یک بازیگر را فارغ از توان بازیگری‌اش اثبات و بازنمایی می‌کند؛ رفتاری که هم تعهد حرفه‌ای به تئاتر است و هم برآمده از احترام به مخاطب. برخی هم در واکنش‌هایی تند به این تصمیم، آن را بی‌تعهدی به مرگ همسر دانسته‌اند.



درباره این مکتبخانه می‌گوید: «حدوداً یک‌سال‌ی از راه‌اندازی «مکتبخانه حاج قربان» می‌گذرد. این مکان اولین مکتبخانه در استان خراسان رضوی است و در همین مدت زمانی که از برپایی آن می‌گذرد، بسیار مورد استقبال قرار گرفته و علاقه‌مندان بسیاری برای آموزش از شهرهای مشهد، سبزوار، قوچان و حتی اصفهان و... به این مکتبخانه آمدند که اتفاق خوشایندی است. البته در این زمینه فضای مجازی هم بی‌تأثیر نبوده است. یک زمان ارتباط گرفتن و دسترسی به دیگران و دریافت اخبار بسیار سخت و حتی غیرممکن بود، اما در حال حاضر با یک گوشی تلفن به راحتی می‌توان از اخبار دنیا باخبر شد، زیرا امروزه همه چیز آسان شده است.»

به گفته این نوازنده «پیشنهاده راه‌اندازی این مکتبخانه ابتدا از سوی پدرم مطرح شد اما آن زمان امکانات فراهم نبود، ولی بالاخره توانستیم با کمک دوستان هنرمندم آرزوی حاجی را برآورده و این مکتبخانه را برپا کنیم.»

او درباره تفاوت آموزش موسیقی در مکتبخانه با آموزشگاه‌های موسیقی گفت: «چهارشنبه شب‌ها از ساعت ۱۹ تا پاسی از شب چراغ این مکتبخانه روشن است وعلاقه‌مندان به موسیقی بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای به اینجا می‌آیند و در محیطی صمیمی ودوستانه به آموزش می‌پردازیم. آموزش در این مکتبخانه مانند تدریس در آموزشگاه‌ها نیست و هر هنرجویی که آموزش می‌بیند به هنرجوی دیگر آموزش می‌دهد و در این زمینه کمک یکدیگرند و من هم که در کنار آنها هستم آموزش دوتار و طرز به دست گرفتن ساز و خواندن مقام‌های شمال خراسان را آموزش می‌دهم. در حال حاضر نزه‌یک به ۵۰ شاگرد دارم که خیلی از آنها را نمی‌شناسم، یعنی می‌آیند و سازش‌ان را یاد می‌گیرند و می‌روند. جالب است بدانید در این مکتبخانه پیرمردها هم شرکت می‌کنند. البته سازنواختن را نمی‌دانند و تنها چند دقیقه‌ای می‌نشینند تا حالشان کمی بهتر شود و این از معجزه هنر موسیقی است.» علیرضا سلیمانی در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «از قدیم آموزش موسیقی نواحی به صورت سینه به سینه بوده و استادان هیچ هزینه‌ای بابت تدریس دریافت نمی‌کردند، اما به تازگی موسیقی تعریف دیگری پیدا کرده است. نکته دیگر اینکه در کلاس‌های موسیقی شاید هنرجو اجازه تماشا کردن نوازنده دیگری را نداشته باشد اما در مکتبخانه این نوازنده نیست و هنرجویان در کنار یکدیگر نشسته و به نوازندگی هم‌دیگر توجه دارند و از هم می‌آموزند. نکته دیگر اینکه

میراث حاج قربان

استاد علیرضا سلیمانی می‌گوید: «موسیقی از کودکی در خانه ما جریان داشت و نواخته می‌شد و به صورت موروثی و سینه به سینه منتقل شده است. دوتار ما برای شمال خراسان است، البته ما جزو خراسان رضوی هستیم؛ شهرستان قوچان. پدرم استاد اولم بود و مخالف آموختن موسیقی ما، ولی با توجه به علاقه‌ای که داشتم با کمک مادرم به‌صورت پنهانی نواختن دوتار را یاد گرفتم. آن دوران پدر نزدیک به پنج ساعت با ساز دوتارش در مجالس، قصه‌گویی و داستان‌سرایی می‌کرد که همین امر موجب خسته شدن او شد و در صحبت‌هایش خطاب به ما می‌گفت من این راه را انتخاب کردم ولی شما آن را ادامه ندهید. اما زمانی متوجه این موضوع شد که من درس‌هایم را آموخته و غرق این هنر شده بودم. تا سال ۸۶ در کلاس‌های پدر شرکت داشتم و از ایشان درس‌های بسیاری آموختم. علیرضا سلیمانی ۷۸ سال سن دارد و در کنار موسیقی به کار کشاورزی و باغداری هم مشغول است و به گفته خودش هیچ گاه از راه موسیقی درآمدی کسب نکرده و در همین مکتبخانه بدون دریافت حق الزحمه‌ای به علاقه‌مندان موسیقی، دوتار می‌آموزد و مقام‌های خراسانی آموزش می‌دهد.

استاد علیرضا سلیمانی در گفت‌وگو با «ایران»

این در حالی است که همه از رابطه حسنه و احترامی که بین این زوج بود باخبرند و «زویا امامی» همسر کاظم هژیرآزاد خود از بازیگران قدیمی تئاتر بود که عمری در کنار هم بازی و زندگی کرده‌اند. هژیرآزاد در صفحه شخصی خودش در شبکه‌های اجتماعی هم نوشت: «همکارم بود، همراهم بود. بعد از فوت پسرم در همه‌گیری کرونا دچار افسردگی و سپس پارکینسون شد و دیگر نمی‌توانست به کار هنری ادامه دهد که ای کاش می‌توانست. شاید کار هنری می‌توانست تسکینی بر دل شکسته‌اش باشد. ولی همه کارها به دست او ست.

این در حالی است که همه از رابطه حسنه و احترامی که بین این زوج بود باخبرند و «زویا امامی» همسر کاظم هژیرآزاد خود از بازیگران قدیمی تئاتر بود که عمری در کنار هم بازی و زندگی کرده‌اند.

هژیرآزاد در صفحه شخصی خودش در شبکه‌های اجتماعی هم نوشت: «بعد از فوت پسرم در همه‌گیری کرونا دچار افسردگی و سپس پارکینسون شد و دیگر نمی‌توانست به کار هنری ادامه دهد که ای کاش می‌توانست. شاید کار هنری می‌توانست تسکینی بر دل شکسته‌اش باشد. ولی همه کارها به دست او ست.

فرهنگی

برگزار می‌کردیم، چرا که توانایی هزینه سفر را نداشتیم اما در حال حاضر چنین حمایت‌هایی صورت نمی‌گیرد. آخرین کنسرتی که در خارج از ایران به روی صحنه بردیم در ازبکستان بود و حدوداً ۵ سالی از آن می‌گذرد که با توجه به شرایط اقتصادی غیرممکن شده است.»

استاد سلیمانی درباره تأثیرگذاری جشنواره‌های موسیقی مانند جشنواره موسیقی نواحی در معرفی این هنر گفت: «مردم بویژه نسل جوان این موسیقی را می‌شناسند و علاقه‌مندند اما بازمه تأکید می‌کنم معرفی و ترویج این موسیقی نیازمند حمایت مسئولان فرهنگی و هنری است. جالب است بدانید تا به امروز هیچ گاه در جشنواره موسیقی نواحی از ما دعوت نشده است.»

موسیقی نواحی ایران موسیقی گنجینه‌ای از تاریخ و فرهنگ غنی مناطق مختلف ایران است که متأسفانه طی این سال‌ها با فوت استادان برجسته این هنر، این موسیقی آرام آرام در حال فراموشی و از بین رفتن است. سال ۱۳۹۲ قرار بود «مکتبخانه موسیقی نواحی ایران» به همت محمدرضا درویشی پژوهشگر نام‌آشنای موسیقی ایران در شهر قزوین تأسیس شود، اما متأسفانه این اتفاق صورت نگرفت. استادان موسیقی برای نظردن نغمه‌های زیبای محلی باید ماندگار شود و بایستی از خاموشی موسیقی نواحی و محلی ایران جلوگیری کنیم تا در آینده افسوس آن را نخوریم. هوشنگ جاوید مؤلف و پژوهشگر موسیقی نواحی در گفت‌وگو با «ایران» درباره ایجاد مکتبخانه‌های موسیقی اقوام بیان کرد: «سابقه راه‌اندازی مکتبخانه به اواخر دهه هفتاد برمی‌گردد و پیشنهاد آن هم اولین بار از سوی آقای محمدرضا درویشی مطرح شد که از آن زمان به بعد خیلی جدی‌تر پیگیری این موضوع شدم. خاطرم هست آن دوران آقای علی ترابی مدیریت دفترموسیقی را برعهده داشت و به پیشنهاد دوستان مسئولیت انتخاب دروس آموزشی و محل برگزاری مکتبخانه‌ها به من واگذار شد و تمامی این کارها هم انجام گرفت. حتی حق الزحمه استادان نیز مشخص شد. طبق برآورد آن زمان، هزینه هر مکتبخانه حدود ۷ میلیون تومان بود و پیشنهاد کردیم، ۱۰ مکتبخانه موسیقی مقامی ایران در آن منطقه ایران برگزار شود که به طور میانگین هزینه ماهیانه آن حدود ۷۰۰ میلیون تومان می‌شد. در خصوص پرداخت هزینه‌ها هم قرار براین شد تا بخشی از هزینه‌ها برعهده اداره ارشاد استان باشد و بخشی دیگر نیز توسط هنراموزان جمع‌آوری شود. اگرچه در آخر با وجود برگزاری جلسات متعدد و برنامه‌ریزی‌های مختلف و البته زمانی که صرف شد- به سبب تأمین بودجه- توافقی صورت نگرفت.»

اولین مکتبخانه نیز به همت شهردار شهر بجنورد و با قراردادن فضایی در اختیار ارشاد استان راه‌اندازی شد و در مراسم افتتاحیه آن من و آقای طالبی شرکت داشتیم و قرار بود در ادامه این مسیر، مابقی مکتبخانه‌ها هم راه‌اندازی شود؛ حتی بودجه‌ای هم برای گرداندن آن تعریف شد. جالب اینکه شهرداری استان‌ها هزینه تدریس استادان را هم تقبل کرده بودند، اما به دلیل نبود تبلیغات و آموزش درست همین مکتبخانه بجنورد هم درمدت زمان کوتاهی تعطیل شد.

این درحالی است که اگر فضایی به نام مکتبخانه موسیقی در آن نقطه مختلف کشور که از موسیقی اصیل و کهن برخوردارند، راه‌اندازی می‌شد، با حضوراستادان این حوزه قدر این موسیقی را بیشتر می‌دانستیم و می‌توانستیم آموزش‌های خوبی در این زمینه داشته باشیم. به گونه‌ای که سبک آموزشی درستی درخصوص موسیقی

با اصالت هر منطقه پدید می‌آمد. اما آنچه که مشخص شد قدرت بالاتر از آن کسانی بود که به دنبال محبت آموزش درآموزشگاه‌ها بودند و این داستان تا به اکنون ادامه دارد وهمچنان اتفاق‌های خوبی در این آموزشگاه‌ها صورت نمی‌گیرد و تنها نوازنده تربیت می‌شود، نه استاد موسیقی. اما ما می‌توانستیم در مکتبخانه استاد تربیت کنیم؛ یک استاد بخشی‌گری یا یک استاد عاشیق.»

به گفته این پژوهشگر «نسل امروز از تاریخچه آثار اصیل و گنجینه موسیقی اقوام ایران بی‌اطلاع هستند.» جاوید در ادامه صحبت‌هایش افزود: «پیش از این داستان‌گویی در تمامی مناطق ایران رواج داشت اما در حال حاضر از بین رفته است و اجرا نمی‌شود. مانند داستان‌هایی که عاشیق‌ها روایت می‌کنند. بی‌تردید اگر این نسل از بین برود، دیگر کسی داستان «عاشیق غریب و شاه صنم» را تا پایان، روایت و اجرا نخواهد کرد.»

جاوید اظهارکرد: «اگر امروز هنرمندی چون علیرضا سلیمانی مکتبخانه موسیقی برپا کرده، کار درستی انجام داده است. او روی پاهای خودش استاد و با هزینه‌های کشاورزی این مکتبخانه را راه‌اندازی کرد و هیچ‌گونه حمایتی هم نداشت اما سؤال من از دوستان این است که این حرکت‌های خودجوش تا چه زمانی ادامه دارد؟ چه تعداد هنرمندانی چون علیرضا

سلیمانی در این مسیر قدم برخواهند داشت؟ طی این سال‌ها صحبت و گلایه ما با مسئولان فرهنگ و هنر، حمایت از موسیقی نواحی ایران بوده و همچنان بر سر حرف خود ایستاده‌ایم.

در این سال‌ها در کنار دیگر پژوهشگران موسیقی اقوام چون آقای درویشی، آقای جهانگیر نصر اشرفی، خاتم ثابت‌زاده و... نیز طرح‌های بسیاری ارائه کردیم اما با هیچ‌کدام موافقت نشد و مورد حمایت جدی قرار نگرفت. این در حالی است که ظهور یک سری از موسیقی‌ها را شاهد بودیم که عجیب بود.»

این پژوهشگر در پایان درباره ثبت و ضبط این آثار بیان کرد: «در خود استان‌ها تقریباً برخی کارها ثبت شده است. به خاطر دارم در ارومیه آقای داریوش علیرزاده آثار عاشیق‌ها را در مجموعه‌ای با عنوان «ارومیه گلن سسلر» ضبط کرده است، منتهی این کارها دیگر تداوم نداشت.»

یک هنری دارم و تنها دو میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنم که این مبلغ خجالت‌آور است. ما تنها برای حفظ هنر بخشی‌گری که میراث پدران ما بوده این مکتبخانه را راه‌اندازی کردیم، اما به تنهایی و بدون هیچ حمایتی کار پیش نخواهد رفت.»

او در ادامه صحبت‌هایش افزود: «موسیقی از کودکی در گوش من بوده و هست و تلاش دارم این میراث اجدادی را به فرزندانم آموزش بدهم. من حافظ میراث ۱۰ نسل پشت خود هستم. حاجی پدرم، پشت هفتم بود و من هشتم و فرزندانم نهم و دهم وهمیشه پیرو و مرید حاج قربان بوده و هستیم تا ان شاءالله

ببینیم عاقبت چه خواهد شد. به یاد دارم آن روزها با حمایت وزارت فرهنگ در ایران و خارج از ایران کنسرت‌های بسیاری با پدر



اگر امروز هنرمندی چون علیرضا سلیمانی مکتبخانه موسیقی برپا کرده، کار درستی انجام داده است. او روی پاهای خودش استاد و با هزینه‌های کشاورزی این مکتبخانه را راه‌اندازی کرد و هیچ‌گونه حمایتی هم نشد



حدوداً یک‌سال‌ی از راه‌اندازی «مکتبخانه حاج قربان» می‌گذرد. این مکان اولین مکتبخانه در استان خراسان رضوی است و در همین مدت زمانی که از برپایی آن می‌گذرد، بسیار مورد استقبال علاقه‌مندان قرار گرفته و آموزش از شهرهای مشهد، سبزوار، قوچان و حتی اصفهان و... به این مکتبخانه آمدند که اتفاق خوشایندی است



هنرمی‌تواند انسان را از تنگنای زندگی به تمنا و معنای دوباره بخشیدن به زیستن، ارتقا بخشد



بود که: «غم‌های بزرگ را به کارهای بزرگ تبدیل کنیم.» این رفتار در واقع نشان داد که کاظم هژیرآزاد نه فقط هنرمندی در عرصه نمایش است که هنر زندگی‌گری را هم خوب بلد است و به آن التزام دارد. الباز

ملک که کارگردان این تئاتر بود، بعد از پایان نمایش رو به کاظم هژیرآزاد گفت: «آقا در لحظه لحظه اجرای امشب معنی عشق، ایمان و تعهد به هنر را از شما یاد گرفتم. سایه شما بر سر هنر این مملکت باقی بماند.»